



## بررسی احکام فقهی «لهو و لعب» و مصادیق آن\*

خانم قدسی<sup>۱</sup>

نجیبه مصباح‌زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

«لهو و لعب» از اموری هستند که حقیقتی ندارند و انسان را دچار غفلت از یاد خدا و حیات اخروی می‌کنند. نمونه‌هایی از مصادیق آن، دو عمل نزدیک و شبیه به هم موسیقی و غنا و شطرنج است. آنچه در این نوشتار به آن پرداخته شده است، پژوهشی پیرامون لهو، لعب، مصادیق آن و اثرات آن بر جسم و روان انسان است. روش تحقیق در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای است. بر اساس یافته‌های این تحقیق و بررسی آیات و روایات می‌توان نتیجه گرفت که غنا، موسیقی و شطرنج که در قرآن از آنها به «لهو الحدیث»، «قول زور» و «لغو» نام برده شده است، حرام است و روایات فراوانی نیز مؤید این مطلب می‌باشد. مراجعه به دیدگاه مراجع عظام تقلید معاصر نیز نشان می‌دهد که ایشان فی الجمله نواختن و گوش‌دادن به آلات موسیقی و خرید و فروش آلات آن و بازی با آلات قمار از جمله بازی با شطرنج را حرام اعلام کرده‌اند.

**کلید واژه‌ها:** لهو، لعب، غنا، موسیقی، آیات و روایات، حرمت.

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۵/۱۰ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۱۰.

۱. مدرس جامعه المصطفیٰ العالمیه.

۲. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفیٰ العالمیه.



## ۱. مفهوم شناسی

### الف) لهو

به معنای شاد ساختن نفس به چیزی است که حکمت آن را اقتضا نمی‌کند، مثل نرد و... (حسینی، ۱۳۹۱: ۴۳۰)

راغب اصفهانی می‌نویسد:

الهو ما يشتغل الانسان عما يغنيه و يهمله و يعبر عن كل ما به استمتاع؛ لهو عبارت است از آنچه انسان را نسبت به چیزهایی که برای او اهمیت دارد و باید به آنها بپردازد، به خود مشغول می‌کند. (راغب، اصفهانی، ۱۳۸۹: ۷۴۸)

### ب) لعب

لعب بر وزن فلس و کتف، اصل آن از لعاب به معنای آب دهان است. لعب يلعب لعباً، یعنی آب دهانش جاری شد. (همان: ۱۹۱)

در تعریف این واژه، در «فرهنگ قرآن» آمده است: «لعب، ضد جد است و به شخصی که عملی بی‌فایده انجام می‌دهد لالعب گفته می‌شود». (فرهنگ قرآن، ج ۴: ۱۶) در «المنجد» نیز آمده است: «لعب یعنی کار غیر جدی انجام داد؛ شوخی کرد؛ بازی کرد». (معلوف، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۶۸۳)

### ج) غنا

واژه‌شناسان کلمه غنا را با عبارات گوناگون تعریف کرده‌اند. معین نوشته است: «غنا عبارت است از آواز خوش، سرود». (معین، ۱۳۸۶: ۳۰۳۱)

دهخدا در «لغت‌نامه» نوشته است: «غنا عبارت است از آواز خوشی که طرب انگیزد». (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲۷: ۳۲۸)

غنا عبارت است از صدای کشیده و زیبا که در گلو غلطانده شود. (فیروز آبادی: ۳۷۴)

امام خمینی(ره) نیز معتقد است غنا عبارت است از «صدایی که طرب‌آور باشد» و منظور از طرب «یک نوع سبکی است که از شدت شادی یا اندوه به وجود می‌آید.»(امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۹۸)

شهید ثانی نوشته است: «غنا عبارت است از آوازی که مشتمل بر ترجیع مطرب باشد یا در عرف مردم غنا نامیده شود، اگر چه مطرب نباشد؛ چه در قرآن باشد و چه در غیر آن.»(عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۳۰۹)

#### د) موسیقی

در تعریف موسیقی نیز تعبیر متعددی وجود دارد. «موسیقی لفظ یونانی است که به معنای فن خوانندگی و نوازندگی است و مردم عوام به آن موزیکا می‌گویند و مقصودشان از بعضی آلات موسیقی می‌باشد.»(معلوف، ۱۳۷۴، ج ۲: ۷۷۹) موسیقی به معنای آهنگها است و آهنگ نیز به معنای نغمه‌های مختلفی است که با نظم و ترتیب در کنارهم چیده شوند.(فارابی، بی‌تا: ۴۷)

#### ۲. لهو و لعب در قرآن

لهو و لعب کار پوچ و بی‌معنا است که صرفاً برای گذشتن وقت فراغت است و هیچ ثمره‌ای برای دین، دنیا و آخرت انسان ندارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ؛ و ما آسمان و زمین و آنچه را میان آن دو قرار دارد به بازی نیافریده‌ایم.»(انبیاء: ۱۶)

در سوره مؤمنون نیز انبیا و مؤمنان را نیز از لهو و لعب دور می‌داند: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ؛ و آنان که از [هر گفتار و کردار] بیهوده و بی‌فایده روی گردانند.»(مؤمنون: ۳)

این آیات و همچنین روایاتی که در ادامه بررسی خواهند شد نشان می‌دهد که در نگرش اسلام، سرگرمی باید دور از لغو و پوچی و دارای هدفی والا باشد.





### ۳. مصادیق لهو و لعب

از بررسی آیات و روایات به دست می‌آید که لهو و مصادیق آن می‌تواند دارای حکم حرمت، کراهت، اباحه و استحباب باشد.

مصادیق لهو حرام در مواردی است که مصداق لهو به معنای اصلی آن باشد، به این معنا که آدمی را به خود سرگرم سازد و باعث اهمال و ظایف مهم و واجب شود. (منافقون: ۹؛ نساء: ۳-۱) یا اینکه مصداق یاد شده با قطع نظر از لهو، از مصادیق حرام باشد، مثل استهزای آیات الهی. (نساء: ۱۴۰) یا اینکه مصداق لهو مقدمه گناه باشد، مانند آیه‌ای که «لهو الحدیث» را وسیله‌ای برای گمراه کردن از راه خدا معرفی می‌کند. (لقمان: ۶)

موسیقی و غنا

موسیقی یا موسیقیا واژه یونانی است که در فرهنگ لغت معادل غنا است، ولی در حوزه مفاهیم دینی و اصطلاح فقه با یکدیگر تفاوت دارند.

در اصطلاح شرعی عبارت است از آوازی که از حنجره آدمی بیرون آمده و در گلو چرخانده شود و در شنونده حالت سرور و وجد ایجاد کند و مناسب با مجالس لهو و خوشگذرانی باشد، اما موسیقی به صوتی گفته می‌شود که از آلات موسیقی پدید آید. (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۶۹)

### ۴. تحریم غنا در قرآن

هر چند آیاتی در قرآن وجود دارد که بعضی از مفسران آن را به موضوع غنا اختصاص داده‌اند، ولی با اندک تأمل روشن می‌شود که این موضوع به مفهوم خاص خود آن گونه که در روایات مطرح شده است در قرآن نیامده است، بلکه می‌توان آن را در ضمن یک موضوع کلی تحت عنوان «لهو»، «لغو» و «قول زور» جستجو نمود. آنچه از روایات

استفاده می‌شود، قرآن کریم عنوان غنا را به صرف غنا بودن مطرح نمی‌کند، بلکه آنچه قرآن مطرح کرده است «قول زور»، «لهو الحدیث» و «لغو» می‌باشد که در بعضی روایات به غنا تفسیر شده است.

### آیات دلالت‌کننده بر حرمت غنا

۱. آیه ۷۲ سوره فرقان

«وَ الَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا؛ و آنان که در مجلس (زور) غنا و دروغ‌پردازی و امور باطل حاضر نمی‌شوند و هنگامی که بر گفتار و کردار لغو می‌گذرند، با بزرگواری و متانت می‌گذرند».

«زور» در لغت به معنای تمایل و انحراف است و دروغ، باطل و ظلم را بدان سبب زور گویند که از امور انحرافی است، پس زور به معنای وسیع آن شامل هرگونه باطلی می‌شود و بدون شک، غنا نیز یکی از مصادیق زور به شمار می‌آید. کلمه «لایشهدون» هم می‌تواند به معنای شهادت‌دادن باشد و هم به معنای حضور یافتن. در حدیثی از امام صادق علیه السلام این آیه به مجلس غنا تفسیر شده است. (حر عاملی، ۱۳۸۲: ۲۳۵)

مرحوم طبرسی می‌نویسد:

«لایشهدون» یعنی «لایحضرون مجالس الباطل»، یعنی مؤمنان در مجالس باطل حاضر نمی‌شوند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۸۱)

علامه طباطبایی ابتدا هردو معنای «شهادت» و «حضور» را احتمال می‌دهد ولی با توجه به جمله بعد (وإذا مرّوا باللغو) که اشاره به مجالس باطل دارد، معنای دوم (حضور در مجالس) را مناسب‌تر دانسته است و آن را اختیار کرده است. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲۴۴)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرموده‌اند: مراد از «زور» در این آیه، غناء و آوازخوانی است. (حر عاملی، ۱۳۸۲: ۳۰۴)





در روایتی آمده است محمد بن ابی‌عباد که در گوش دادن به موسیقی مشهور شده بود، می‌گوید از امام رضا علیه السلام درباره گوش دادن به غنا و موسیقی پرسیدم. فرمود: **لَا أَهْلَ الْحِجَازِ فِيهِ رَأَىٰ وَهُوَ فِي حَيْزِ الْبَاطِلِ وَاللَّهْوِ، أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا؛** اهل حجاز در باره آن رأی به جواز دارند، ولی بدان که آن در زمره اعمال باطل و لهو می‌باشد. آیا سخن خداوند را نشنیده‌ای که می‌فرماید: بندگان خاص خدا هرگاه به لغو و بیهودگی برخورد کنند بزرگوارانه از آن می‌گذرند. (مجلسی، بی تا: ۱۵۸)

از مجموع آنچه ذکر شد حرمت غنا و حضور در مجلس غنا استفاده می‌شود.

## ۲. آیات ششم و هفتم سوره لقمان

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَن فِي أُذُنِهِ وَقْرًا فَيَسْرُءُ بِعَذَابِ أَلِيمٍ؛ و برخی از مردم اند که افسانه‌های بیهوده و سخنان یاوه و سرگرم‌کننده را می‌خرند تا از روی نادانی و بی‌دانشی [مردم را] از راه خدا گمراه کنند و آن را به مسخره بگیرند؛ اینان اند که برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود». (لقمان: ۷-۶)

در آغاز سوره لقمان ضمن بیان برخی از اوصاف گروه «محسنین» و «مؤمنین»، سخن از گروهی به میان آمده است که درست در مقابل آنان قرار دارند و سرمایه خود را در راه بیهوده و گمراه‌ساختن مردم به کار گرفته و بدبختی دنیا و آخرت را برای خود می‌خرند.

## شان نزول آیه

برخی از مفسرین (اعم از شیعه و سنی) در شأن نزول آیه شریف نوشته‌اند شخصی به نام نصر بن حارث شغلش تجارت بود و بیشتر به کشور ایران مسافرت می‌کرد و ضمن سفرهای خود داستان‌هایی درباره رستم و اسفندیار و پادشاهان عجم یاد گرفته و کتابهایی در این زمینه خریداری کرده و به شهر مکه آورده بود و به مردم می‌گفت: اگر محمد صلی الله علیه و آله برای شما سرگذشت قوم عاد و ثمود را نقل می‌کند، من هم داستان‌های

رستم و اخبار کسری و سلاطین عجم را می‌گویم. گروهی از قریش قصه‌های او را جذاب پنداشته دور او جمع می‌شدند و در اثر سرگرمی به داستان‌های او از تشریف به محضر مبارک پیامبر ﷺ و از شنیدن آیات الهی و در نتیجه از ایمان به خدا و پیامبر اسلام ﷺ باز می‌ماندند. (سبزواری، بی تا: ۳۸۳)

برخی از مفسران نیز گفته‌اند نضر بن حارث یا شخص دیگر چند کنیز آوازه‌خوان خریده بودند و هرکس را که احتمال می‌داد مسلمان شود، همراه کنیزانش به سراغ او میرفت و به کنیزهای خود می‌گفت غذا و شراب به او بدهید و برای او غنا و ترانه بخوانید و به آن شخص می‌گفت این‌ها از نماز و روزه و جهاد و چیزهای دیگری که محمد ﷺ [ﷺ] تو را به آنها دعوت می‌کند بهتر است و این آیه در مقام مذمت از عمل او نازل شد. (همان، ج ۵: ۳۸۳)

#### معنای لهو الحدیث

از عبدالله بن مسعود سؤال شد مراد از لهو الحدیث چیست؟ وی در پاسخ گفت: سوگند به آن خدایی که جز او خدایی نیست، مراد از «لهو الحدیث» غنا است و سه بار این جمله را تکرار کرد. (بدائع التفسیر: ۴۰۲)

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر آیه فوق می‌نویسد: «الغناء و شرب الخمر و جمیع الملاهی؛ آواز خوانی، شراب خواری و همه آلات موسیقی است». (قمی، ۱۳۶۳: ۱۶۱)

فضل بن حسن طبرسی (ره) می‌گوید: به عقیده اکثر مفسران منظور از «لهو الحدیث» غنا می‌باشد و هر چیزی که انسان را از راه خدا و اطاعت او باز دارد و «لهو الحدیث» عبارت است از طعنه‌زدن به حق، استهزاء آن و بیان خرافات و سخنان خنده‌آور غنا و آلات موسیقی. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۱۳)

شیخ طوسی می‌گوید: در معنای آیه دو قول است؛ یکی اینکه نضر بن حارث و امثال وی کتابی را می‌خرد که در آن لهو الحدیث است. دوم اینکه در مقابل سخن حق «لهو



الحديث» رامی خرد. ابن عباس، ابن مسعود و مجاهد گفته‌اند: لهو الحديث عبارت است از غنا. (طوسی، بی تا: ۲۷۱)

### «لهو الحديث» در روایات

در حدیث «صحيح» محمد بن مسلم می‌گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: «الْغِنَاءُ مِمَّا وَعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ؛ وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ؛ غنا از گناهانی است که خداوند درباره آن وعید آتش داده است و آیه و مِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي... راتلاوت فرمود». (وسایل الشیعه: ۳۰۵)

در حدیث حسن محمد بن مهران می‌گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: الْغِنَاءُ مِمَّا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ...؛ غنا از چیزهایی است که خدا درباره آن فرمود بعضی مردم سخنان بیهوده و باطل را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی از راه خدا گمراه سازند. (همان: ۳۰۵)

حسن بن هارون در روایتی می‌گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که در روایتی فرمود: «الْغِنَاءُ مَجْلِسٌ لِّيَنْظُرَ اللَّهُ إِلَى أَهْلِهِ وَهُوَ مِمَّا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ...؛ مجلس غنا و خوانندگی، مجلسی است که خداوند به اهل آن نظر نمی‌کند و آن از مصادیق چیزهایی است که خداوند در مورد آن فرموده است: «وَ مِنَ النَّاسِ...». (همان: ۳۰۷)

### ۳. آیه ۳۰ سوره حج

ذَلِكَ وَ مَنْ يُعْظَمَ حُرْمَتُ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ أَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ؛ این است [آنچه به عنوان مناسک حج قرار داده‌ایم] و هر کس مقررات خدا را بزرگ شمارد، برای او نزد پروردگارش بهتر





است و چهارپایان مگر آنچه [در آیات دیگر، حُرْمَتش] بر شما خوانده می‌شود، برای شما حلال شده است، بنابراین از پلیدی بت‌ها و از گفتار باطل [چون دروغ، افترا، غیبت و شهادت ناحق] دوری گزینید».

### معنای «قول زور» در کلام مفسران

بعضی از مفسران «قول زور» را اشاره به کیفیت لبیک‌گفتن مشرکان در مراسم حج دانسته‌اند، زیرا آنان لبیک را آن‌چنان تحریف کرده بودند که مشتمل بر زنده‌ترین تعبیرات شرک‌آلود شده بود. آنان می‌گفتند: «لبیک لا شریک لکِ الا شریکا هو لک تملکه و ما ملک؛ دعوتت را اجابت کردیم و بسویت آمدیم ای خدایی که شریکی نداری جز شریکی که مخصوص توست؛ تو مالک او و هرچه او در اختیار دارد هستی». این سخن قطعاً سخنی بیهوده و مصداق «قول زور» است، ولی توجه آیه به اعمال مشرکان در مراسم حج در عصر جاهلیت مانع از کلی بودن مفهوم آیه که شامل پرهیز از هرگونه بت در هر شکل و صورتی و پرهیز از هر گونه گفتار باطل به هر نوع و کیفیت نمی‌گردد، زیرا در بعضی از روایات «اوئان» تفسیر به شطرنج و «قول زور» تفسیر به غنا و شهادت به باطل شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۹۱)

در روایات به تکرار ذکر شده است که «رجس از اوئان» شطرنج است و «قول زور» غنا است. (شریف لاهیجی، ۱۳۹۰: ۱۸۴)

### «قول زور» در روایات معصومین علیهم‌السلام

روایات فراوانی «قول زور» را به غنا و موسیقی تفسیر کرده است که برخی از آنها ذکر شد.

هشام از امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه فوق روایت کرده است که امام علیه‌السلام فرمودند: «الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ، الشَّطْرَنْجِ وَ قَوْلَ الزُّورِ، الْغِنَاءُ؛ مراد از رجس اوئان شطرنج و قول زور غنا و آوازخوانی است. (وسایل الشیعه: ۱۰)



در حدیث دیگری محمد بن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که امام علیه السلام فرمودند: «قَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ». (وسائل الشیعه: ۵۱۰)

عبد الاعلی در روایتی می‌گوید از امام باقر علیه السلام تفسیر آیه «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» را پرسیدم. امام علیه السلام فرمودند: «الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرَنْجُ وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ؛ مراد از «رجس اوثان» شطرنج و مراد از «قول زور»، غنا و آوازخوانی است. (مجلسی، بی تا: ۱۵۸)

ابن حزم می‌گوید: روزی در منزل خود به دستشویی رفتم. کنیز همسایه به خوانندگی و نوازندگی مشغول بود، کمی درنگ کردم تا صدای او را بشنوم؛ سپس بیرون آمدم. همان روز هنگامی که آفتاب غروب کرد خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. وقتی امام علیه السلام مرا دید فرمود: «الغناء الغناء؛ اجتنبوا الغناء اجتنبوا و اجتنبوا قول الزور».

امام علیه السلام چند بار این کلمات را تکرار کرد، بگونه‌ای که من فهمیدم امام علیه السلام از راه غیبی از عمل من آگاه شده و می‌خواهد مرا موعظه کند. چنان از عمل خود شرمنده شدم که زمین برای من تنگ شد. هنگامی که از مجلس بیرون آمدم به یکی از دوستان آن حضرت گفتم به خدا سوگند منظور حضرت از این کلمات کسی جز من نبود. (طوسی، بی تا: حدیث ۱۵۱۹)

از مجموع این روایات استفاده می‌شود که منظور خداوند از «قول زور» که بندگان را از آن بر حذر داشته و دستور دوری و اجتناب از آن را داده غنا و موسیقی است.

آیه ۳۶ سوره اسراء

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا؛ و از

چیزی که به آن علم نداری [بلکه برگرفته از شنیده‌ها، ساده‌نگری‌ها، خیالات و اوهام است] پیروی مکن؛ زیرا گوش و چشم و دل [که ابزار علم و شناخت واقعی‌اند] مورد

بازخواست‌اند». (اسراء: ۳۶)

علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش از امام باقر علیه السلام روایت کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: روز قیامت در پیشگاه خدا هیچ بنده‌ای نمی‌تواند قدم بردارد تا از چهار چیز از وی سؤال شود. عمرت را کجا صرف کردی؟ بدنت را در چه فرسوده کردی؟ مالت را از کجا به دست آوردی و کجا خرج کردی؟ و از دوستی ما اهل بیت علیهم السلام (قمی، ۱۳۶۳: ۱۹)

### روایات درباره آیه فوق

در روایتی آمده است که مردی از امام صادق علیه السلام درباره گوش دادن به غنا و موسیقی سؤال نمود. امام علیه السلام او را از این عمل نهی کرد و این آیه را تلاوت فرمود: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا». سپس فرمود: يُسْأَلُ السَّمْعُ عَمَّا سَمِعَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا. (طباطبایی، ۱۳۸۳: حدیث ۵)

در حدیث دیگری مسعده بن زیاد می‌گوید در حضور امام صادق علیه السلام بودم، مردی عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو باد. من همسایگانی دارم که کنیزان خواننده دارند و می‌خوانند و می‌نوازند و من که گاهی برای قضای حاجت به دستشویی می‌روم، نشستن خود را طولانی‌تر می‌کنم تا نغمه‌های آنان را بشنوم امام علیه السلام او را از این کار منع کرد و فرمود: این کار را نکن! عرض کرد: سوگند به خدا من با پای خود به مجلس آنها نمی‌روم، فقط صدای آنها را از دور می‌شنوم. امام علیه السلام فرمود: مگر سخن خدا را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا؛ گوش و چشم و دل انسان در قیامت مورد سؤال و بازخواست قرار می‌گیرند». عرض کرد آری گویا هرگز این آیه را از هیچ‌کس نشنیده بودم. اکنون توبه می‌کنم و از خدا می‌خواهم مرا بیامرزد و دیگر مرتکب چنین گناهی نخواهم شد.



امام علیه السلام فرمود: برخیز غسل توبه و نماز توبه بجای آور، زیرا مرتکب گناهی بزرگ شده‌ای. اگر با این گناه بدون توبه از این دنیا می‌رفتی چقدر بدبخت و تیره روز می‌شدی. خدا را شکر کن و از او بخواه که توبه تورا از این گناه و از هر عمل بد بپذیرد. همانا خداوند جز زشت چیزی را بد نمی‌شمارد و تو نیز کار زشت را به اهلس واکذار، زیرا هر کاری اهلی دارد. (مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار: ۳۴)

### آیه ۶۴ سوره اسراء

خداوند سبحان برای اینکه انسان‌ها را از راه‌های گمراهی و فریب‌های شیطان آگاه فرماید خطاب به شیطان می‌فرماید: «وَاسْتَفْزِزْ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجْلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا؛ از آنان هر که را توانستی با آوازت [به سوی باطل] برانگیز و [برای راندنشان به سوی طغیان و گناه] با سواره‌ها و پیاده‌هایت بر آنان بانگ زن و با آنان [از راه سوق دادنشان به حرام] در اموال و [از طریق وسوسه کردنشان به زنا] در اولادشان شریک شو و به آنان وعده [دروغ] بده [که از قیامت، حسابرسی، بهشت و دوزخ خبری نیست] و شیطان آنان را جز از روی باطل و دروغ وعده نمی‌دهد».

واژه «استفزاز» به معنای تحریک و برانگیختن است. تحریکی سریع و ساده، ولی در اصل به معنای بریدن و قطع چیزی است و استعمال این واژه در معنای بریدن و قطع به جهت بریدن کسی از حق و کشاندن او به سوی باطل است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸۳)

در تفسیر نمونه ضمن بیان نکات این آیه آمده است که

جمله «وَاسْتَفْزِزْ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ» که بعضی از مفسران آن را تنها به معنای نغمه‌های هوس‌انگیز موسیقی و خوانندگی تفسیر کرده‌اند، معنای گسترده‌ای دارد و شامل هر گونه تبلیغات گمراه کننده که در آن از وسایل صوتی و سمعی استفاده می‌شود، می‌گردد. (همان: ۱۸۴)

## آیه ۱۱ سوره جمعه

«وَإِذَا رَأَوْا تِجْرَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التَّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ؛ و [برخی از مردم] چون تجارت یا مایه سرگرمی ببینند [از صف یک پارچه نماز] به سوی آن پراکنده شوند و تو را در حالی که [بر خطبه نماز] ایستاده‌ای، رها کنند. بگو پاداش و ثوابی که نزد خداست از سرگرمی و تجارت بهتر است و خدا بهترین روزی‌دهندگان است.»

علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه می‌نویسد:

کاروانی از تجار در روز جمعه هنگام نماز که رسول خدا ﷺ مشغول خطبه نماز جمعه بود وارد مدینه شد و به منظور اعلام ورود خود طبل و دهل زدند. مردم پیامبر ﷺ را در حال خطبه رها کرده و به طرف کاروان رفتند. آیه فوق به همین مناسبت نازل شد؛ پس مراد از «لهو» در این آیه استعمال دهل دایره و سایر آلات طرب به قصد جمع‌شدن مردم است. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲۷۴)

در تفسیر نمونه آمده است:

تعبیر به «لهو» اشاره به طبل و سایر آلات لهوی است که هنگام ورود قافله تازه ای به مدینه می‌زدند که هم نوعی اخبار و اعلام بود و هم وسیله‌ای برای سرگرمی و تبلیغ. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲۹)

## نتیجه

از مجموع مطالبی که ذکر شد به دست می‌آید که طبق تفسیر مفسران و روایات منقول از معصومین علیهم‌السلام بر زشتی و حرمت غنا و موسیقی دلالت می‌کند و از طرفی دیگر وجود این آیات در سوره‌های مکی و مدنی این نکته به دست می‌آید که قرآن کریم از ابتدای نزول تا آخر با این عمل زشت و خطرناک مبارزه کرده و آن را عملی منفور و مطرود ذکر کرده است. (نوری، ۱۳۸۵: ۱۲۷)





## ۵. تحریم غنا و موسیقی در روایات

روایاتی که بر حرمت غنا و موسیقی بیان شده را می‌توان به چهار دسته تقسیم‌بندی کرد:

۱. روایات ممنوعیت غنا و موسیقی؛
۲. روایات مذموم بودن موسیقی و آلات آن؛
۳. روایات نکوهش شخص خواننده و نوازنده؛
۴. روایات ممنوعیت گوش‌دادن به غنا و موسیقی.

### ۱. روایات ممنوعیت غنا و موسیقی

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مَجْلِسُ الْغِنَاءِ مَجْلِسٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَالْغِنَاءُ أَخْبَثُ مَا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَىٰ يُورِثُ النَّفَاقَ وَ يُعَقِّبُ الْفَقْرَ». (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۲۲: ۱۳۴)

در روایت دیگری آمده است که شخصی از امام باقر علیه السلام در مورد غنا سؤال کرد؟ امام علیه السلام فرمودند: «وَيَحْكُ ! إِذَا فَرَّقَ اللَّهُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ أَيْنَ تَرَى الْغِنَاءَ يَكُونُ؟ مَعَ الْبَاطِلِ وَاللَّهِ جَعَلَتْ فِدَاكَ. فَفِي هَذَا مَا يَكْفِيكَ؛ وای بر تو! هرگاه خدا امور حق و باطل را از هم جدا گرداند به نظر تو غنا در کجا قرار می‌گیرد؟! فدایت شوم قطعاً غنا در طرف باطل قرار می‌گیرد. امام علیه السلام فرمودند: همین که میدانی غناء از امور باطل است برای تو کافی است که از آن دوری کنی. (مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۰۷)

در حدیث دیگری ریان بن صلت می‌گوید روزی در خراسان به امام رضا علیه السلام عرض کردم عباسی از شما نقل می‌کند، که غنا را مجاز فرموده‌اید؟ امام علیه السلام فرمودند: كَذِبَ الزَّنَدِيقِ...؛ آن کافر دروغ گفته است. او درباره غنا از من سؤال کرد و من سخن جدم امام باقر علیه السلام را برای او گفتم. سپس فرمود: فَهَكَذَا كَانَ قَوْلِي لَهُ؛ سخن من بر او همین بود. (صدوق، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۴)



## ۲. روایات مذموم بودن موسیقی و ممنوعیت آلات آن

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمودند: «ان الله حرم الدف والكوبة والمزامير وما يلعب به؛ خداوند متعال دایره، طبل، مزار و هر چیزی را که وسیله بازی باشد حرام فرموده است». (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۲۲: ۲۴۵)

در روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده است که ایشان فرمودند: «ان الله تعالى بعثني هدى و رحمة للعالمين و امرني ان احو المزامير و المعازف و الاوتار و الاوتان و امور الجاهلية... ان آلات المزامير شراءها و بيعها و ثمنها و التجارة بها حرام...؛ خداوند تعالی مرا برای هدایت مردم و به عنوان رحمت بر آنان مبعوث نموده و امر فرموده است که همه انواع آلات موسیقی، بتها و تمام کارهای زمان جاهلیت را از بین ببرم و خرید و فروش و قیمت آلات موسیقی حرام است». (همان: ۲۴۵)

در روایت دیگری امام علی علیه السلام فرموده است: «ستة لا ينبغي ان يسلم عليهم... فاليهود والنصارى واصحاب الرد والشرنج واصحاب الخمر والبربط والطنبور والمتفكهون بسب الامهات والشعراء؛ به شش گروه سلام دادن روا نیست یهودی، مسیحی، اهل نرد و شطرنج (اهل قمار)، اهل شراب و بربط و تنبور (اهل موسیقی)، خنده‌کنندگان با فحش به مادران و شاعران (شاعرانی که شعرهای بیهوده و باطل می‌سرایند). (ابن بابویه، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۳۱)

## ۳. روایات نکوهش شخص خواننده و نوازنده

نضربن قاموس می‌گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «المغنية ملعونة من اكل كسبها؛ زن خواننده و کسی که از کسب او بخورد ملعون و مطرود از رحمت خداست». (حر عاملی، ج ۱۷: ۱۲۱)



ابراهیم بن ابی البلاد می‌گوید به امام کاظم علیه السلام عرض کردم مردی از دوستان شما چند کنیز آواز خوان دارد که قیمت آنها چهارده هزار دینار می‌باشد، ثلث آن را برای شما قرار داده است که باید به شما تقدیم شود. امام علیه السلام فرمودند: لَأَحَاجَةَ لِي فِيهَا إِنَّ الثَّمَنَ الْكَلْبِ وَ الْمُغْنِيَةَ سُحْتٌ؛ به آن پول نیازی ندارم، زیرا قیمت سگ و لگرد و کنیز خواننده باطل و حرام است. (همان: ۱۲۳)

در روایت دیگر از امام صادق علیه السلام منقول است که «مَا رَفَعَ أَحَدٌ صَوْتَهُ بِغِنَاءٍ إِلَّا بَعَثَ اللَّهُ الشَّيْطَانَ نَيْنَ عَلَى مَنْكِبَيْهِ يَضْرِبَانِ بِأَعْقَابِهِمَا عَلَى صَدْرِهِ حَتَّى يُمَسِكَ؛ کسی صدایش را به آواز خوانی بلند نمی‌کند، مگر اینکه خداوند دو شیطان بر او مأمور می‌کند که بر دو دوش او سوار شوند و با پاشنه بر سینه وی می‌زنند تا زمانی که از آواز خوانی بایستد». (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۲۲: ۲۳۳)

#### ۴. روایات ممنوعیت گوش دادن به غنا و موسیقی

امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: «مَنْ أَصْعَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنْ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ الشَّيْطَانِ فَقَدْ عَبَدَ الشَّيْطَانَ؛ هرکس به سخنان گوینده گوش دهد، در واقع او را عبادت می‌کند. اگر گوینده از خدا و سخنان حق بگوید شنونده عبادت خدا می‌کند و اگر از شیطان و سخنان باطل بگوید، شنونده شیطان را عبادت می‌کند. (حر عاملی، ۱۳۸۲، ج ۱۷: ۳۱۷)

در روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده است که «مَنْ قَعَدَ إِلَى قَيْنَةٍ يَسْتَمِعُ مِنْهَا صَبَّ اللَّهُ فِي أُذُنَيْهِ الْأُنْكَ؛ کسی که در مجلس زن خواننده بنشیند که به آوازخوانی وی گوش دهد، خداوند به گوش‌های او سرب خواهد ریخت». (متقی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵: ۲۲۰)

در روایتی آمده است مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد فدایت شوم، دیروز فلانی دست مرا گرفت و به منزلش برد در منزل او کنیزی بود که خوانندگی و نوازندگی می‌



کرد و من نیز تا غروب پیش آنها ماندم. حضرت علیه السلام با لحنی تند فرمودند: «وَبَحْكَ! أَمَا خِفْتَ أَمْرَ اللَّهِ أَنْ يَأْتِيَكَ وَأَنْتَ عَلَى تِلْكَ وَأَنْتَ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ إِنَّهُ مَجْلِسٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ أَهْلَهُ الْغِنَاءُ أَحَبُّ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَالْغِنَاءُ أَشْرُّ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْغِنَاءُ يُورِثُ الْفَقْرَ وَالنَّفَاقَ؛ وای برتو! هیچ نترسیدی که در آن حال گناه، مرگ تو فرا رسد؟! زیرا آن مجلسی که خداوند به اهل آن نظر نمی‌کند، خبیث‌ترین موجودات و بدترین مخلوقات خدا غنا و موسیقی است و آن عامل فقر و نیازمندی و نفاق است. (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۲۲: ۲۵۶)

#### نتیجه

از مجموع روایت ذکر شده قابل استفاده است که غنا و موسیقی هم برای خواننده و هم برای شنونده آن حرام است و مالی که خواننده یا نوازنده از این راه به دست می‌آورد حرام است و در نتیجه کسی که از این گناهان دوری کند، شامل لطف و رحمت خداوند می‌گردد.

### حرمت موسیقی و آلات آن از نظر فقها

#### الف) دیدگاه شیخ مفید

شیخ مفید در کتاب مقنعه می‌نویسد: «و عمل العیدان و الطنابیر و سائر الملاحی، محرم و التجاره فیه محظوره... و کسب المغنیات حرام و تعلم ذلک و تعلیمه محظور فی شرع الاسلام؛ ساخت و ساز عود و تنبورها و دیگر آلات موسیقی حرام است، همچنین خرید و فروش آنها نیز ممنوع است... و کسب آوازخوانان نیز حرام است، یاد دادن و یاد گرفتن این کارها نیز در شرع اسلام حرام است. (مفید، ۱۲۷۴ق: ۵۸۸)

#### ب) دیدگاه شیخ طوسی

شیخ طوسی در کتاب النهایه مبحث مکاسب محظوره بیان می‌کند: «و منها کعمل جمیع انواع الملاحی و التجاره فیها و التکسب بها، مثل العیدان و الطنابیر و غیرهما من





انواع الاباطیل محرم محظوره؛ از جمله کسب های ممنوع ساخت و ساز هر نوع آلات موسیقی از قبیل تارها، سازها و امثال آنها که از کارهای باطل می باشد خرید و فروش آنها و کسب با آنها نیز حرام و ممنوع است». (ابن اثیر، بی تا: ۳۶۳)

### ج) دیدگاه شیخ انصاری

شیخ مرتضی انصاری در بیان کسب های حرام می نویسد: «و منها آلات اللهو علی اختلاف اصنافها بلا خلاف حیث ان المراد بآلات اللهو ما عدله توقف علی تعیین معنی اللهو و حرمة مطلق اللهو الا ان المتیقن منه ما کان من جنس المزامیر و آلات الاغانی و من جنس الطبول؛ از جمله معاملات حرام معامله آلات لهو به شکل های گوناگون است و در این مسئله اختلافی میان فقها وجود ندارد، زیرا منظور از آلات لهو چیزهایی است که برای لهو ساخته شده باشد. از این رو بیان مصادیق آن متوقف بر تعیین معنای لهو و اثبات حرمت همه اقسام آن می باشد، ولی همین قدر می توان گفت که قدر متیقن از «آلت لهو» آن است که از نوع مزارها و آلات خوانندگی و نوازندگی و یا از جنس طبل و امثال آن باشد». (انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۱۱۸-۱۱۷)

### ۶. حرمت غنا و موسیقی از نظر مراجع عظام

در این قسمت لازم است به چند سؤال پاسخ داده شود:

- آیا موسیقی در اصطلاح فقهی مترادف با غنا است یا با یکدیگر فرق دارند؟

موسیقی واژه ای یونانی است که در اصطلاح و فرهنگ لغت معادل مفهوم «غنا» دانسته شده و در چند معنا به کار رفته است.

الف) اصوات و نغمه های موزون و متناسب که از طبیعت برخی از اشیاء و یا از حنجره بعضی حیوانات شنیده می شود، مثل صدای درختان و برگها هنگام وزیدن باد و یا صدای برخی پرندگان؛



ب) آواز خوشی که از حنجره آدمی بیرون می‌آید؛

ج) صدایی که از نواختن آلات موسیقی تولید می‌شود.

ولی واژه غنا در اصطلاح فقیهان و حوزه مفاهیم دینی با یکدیگر تفاوت دارند. غنا از دیدگاه فقه عبارت است از آوازی که از حنجره آدمی بیرون می‌آید، در گلو چرخانده شود و در شنونده سرور و وجد ایجاد کند و متناسب با مجالس لهو و خوشگذرانی باشد، اما «موسیقی» به صوت و آهنگی گفته می‌شود که از آلات موسیقی پدید آید. (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۲۴-۱۹۸؛ حسینی، ۱۴۱۳ق: ۱۶؛ تبریزی، ۱۴۱۷ق، س ۱۰۴۶ و ۱۰۴۷ و ۱۰۴۸؛ لنکرانی، ۱۳۷۹، س ۹۷۴ و ۹۷۸ و ۹۷۹)

- غنایی که از نظر فقهی موضوع حکم حرمت قرار گرفته است، چیست؟

آیات عظام امام، خامنه‌ای، صافی، فاضل و نوری:

غنا آوازی است که در گلو غلطانده و باعث طرب شود و مناسب با مجالس لهو و خوشگذرانی و فساد انجام گیرد. آواز با این مشخصات خواندن و استماعش حرام است، خواه در کلام حق باشد یا باطل. (تحریر الوسيله، ج ۱: ۱۳؛ لنکرانی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۹۷۸؛ اجوبه الاستفتائات، س ۱۱۳۲، نوری، ۱۳۷۸، مسائل مستحدثه)

آیت الله تبریزی: غنا آوازی است که متناسب با مجالس لهو و فساد و گناه باشد و محتوای آن کلام باطل باشد (تبریزی، ۱۴۱۷ق ج ۵، س ۱۱۵۱ و ۱۱۶۲)

آیت الله مکارم شیرازی: غنا آوازی است که مناسب با مجالس لهو خوشگذرانی و فساد باشد، خواه در کلام حق باشد یا باطل، حرام است. (استفتائات مکارم شیرازی، ج ۲، س ۷۰۱)

۲. اگر موسیقی انسان را غافل می‌کند، بسیاری از امور روزمره مثل فیلم و انواع بازی‌ها

نیز این چنین هستند، پس چرا آنها حرام نیستند؟



لهو انواع و اقسام مختلفی دارد:

۱. مشغول شدن به اموری غیر مهم و بی معنا و بیهوده مثل بازی با تسبیح، بازی بامحاسن صورت و برخی امور دیگر که هیچ فایده عقلایی ندارند.

۲. مشغول شدن به اموری که اوقات فراغت را پر می‌کند و دارای فایده عقلایی هستند همان گونه که پیامر بزرگوار اسلام در کلامی نورانی به آن اشاره کرده‌اند: «نعم اللهو المغزل للمراه الصالحه» بافندگی لهو و سرگرمی زن صالح است. (وسایل الشیعه، ج ۶: ۱۸۵)

بسیاری از بازی‌هایی که در این عصر رایج بوده دارای هدف و منفعت عقلایی است از مصادیق این نوع به شمار می‌رود.

۳. مشغول شدن به اموری که باعث طرب و شادی نفسانی و خارج شدن از حد اعتدال می‌گردد مثل غنا و نواختن موسیقی.

در متون دینی حرمت لهو هیچ‌گاه به صورت مطلق نبوده؛ بلکه مصداق خاصی از آن مورد مذمت بوده است که به آن «لهو حرام» گفته می‌شود، مانند نواختن موسیقی و استمتاع آن (جامع المسائل، س ۱۰۰۹؛ بررسی مبانی موسیقی: ۷۶، الموسیقی: ۱۵۲-۱۴۳؛ مصباح الفقاهه: ۴۲۳)

آیت الله بروجردی می‌فرمایند: برخی از مصادیق لهو اگرچه دارای حرمت قطعی است، ولی نمی‌توان آن را به همه اقسام لهو سرایت داد. (حسینی: ۹ و ۷۸)

۴. منظور از مطرب و لهوی بودن موسیقی چیست؟

طرب به حالت سبک عقلی گفته می‌شود که در اثر شنیدن آواز و آهنگ در نفس و روان انسان پدید می‌آید و او را از حد اعتدال خارج می‌کند و این خارج شدن از حد اعتدال تنها اختصاص به حال شادی ندارد که برخی گمان کرده‌اند بلکه ممکن است از آهنگهای غم و حزن‌آور نیز به دست آید. (مکاسب محرمة، ج ۱: ۱۰۸)

مراد از لهوی بودن سازگاری و هم‌نوایی آواز و آهنگ نواخته شده با مجالس فساد و خوشگذرانی است، زیرا ممکن است آوازی مطرب نباشد، ولی از نغمه‌هایی باشد که فقط در جلسات فاسقان از آن استفاده می‌شود.

تمام مراجع تقلید «لهوی بودن را قید موسیقی حرام می‌دانند، ولی در قید «طرب انگیزی» میان مراجع عظام اختلاف است. (احکام موسیقی: ۴۱)

### حکم گوش دادن به آهنگ بدون کلام چیست؟

آیات عظام امام، خامنه‌ای، سیستانی، تبریزی، مکارم شیرازی، فاضل و نوری همدانی: گوش دادن به هر آهنگی که مطرب و لهوی و مناسب مجالس گناه و خوشگذرانی است، جایز نیست، هر چند مشتمل بر کلام نباشد. (استفتائات امام خمینی، ج ۲، س ۲۷ و ۲۸؛ جامع المسائل، ج ۱، س ۹۹۵ و ۹۹۹ و ۱۰۰۵، اجوبه الاستفتائات، س ۱۱۴۰؛ توضیح المسائل نوری همدانی، مسائل مستحدثه؛ تبریزی، میرزا جواد، استفتائات، س ۱۰۴۶ و ۱۰۶۵؛ استفتائات مکارم شیرازی: س ۷۰۳ و ۷۰۸)

آیات عظام بهجت و صافی:

گوش دادن به هر آهنگی که مطرب و لهوی و مناسب مجالس گناه و خوشگذرانی است جایز نیست و گوش دادن به آهنگی که از نواختن آلات موسیقی تولید می‌شود حرام است. (بهجت، ۱۳۷۹ و صافی گلپایگانی، ۱۳۷۸، س ۱۰۱۸)

گوش دادن به آهنگی که هیچ‌گونه توجهی به اشعار همراه با آن نمی‌شود و یا اصلاً به زبانی خوانده می‌شود که معنای آن فهمیده نمی‌شود، چه حکمی دارد؟

همه مراجع:

گوش دادن به موسیقی حرام جایز نیست و توجه نداشتن به محتوا و عدم شناخت زبان خواننده، هیچ تأثیری در آن ندارد. (حسینی، ۱۳۸۵: ۴۴)





اگر اشعار خوب و مذهبی در قالب موسیقی مطرب و لهوی خوانده شود چه حکمی دارد؟

اگر گوش دادن به موزیک، باعث نیرو گرفتن و علاقه پیدا کردن به کار شود حکمش چیست؟  
همه مراجع:

اگر از نوع موسیقی حرام باشد، گوش دادن به آن جایز نیست، هر چند باعث علاقه پیدا کردن به کار شود. (اجوبه الاستفتائات، س ۱۱۴۳ و ۱۱۵۷ و ۱۱۴؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۷۸، س ۹۹۹ و ۱۰۵؛ مکارم شیرازی، س ۵۲۰؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۷۹، س ۹۸۸؛ تبریزی، میرزا جواد، ۱۴۱۷ق، س ۱۰۱۴ و ۱۱۴۹)

### حکم نگهداری آلات موسیقی

آیات عظام امام، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، مکارم و نوری:  
اگر از آلاتی است که به لهو حرام اختصاص دارد، نگهداری آنها جایز نیست و باید آنها را از بین برد، اما اگر از آلات مشترک باشند، اشکال ندارد. (استفتائات امام خمینی، ج ۲: ۳۰ و ۴۱؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۰۰ و ۹۹۲؛ منهاج الصالحین سیستانی، ج ۲، حسینی، ۱۳۸۵: ۶۱)

آیات عظام بهجت و صافی:

نگهداری آلات موسیقی جایز نیست و باید آنها را از بین برد. (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۸،

ج ۱: ۹۹۶)

## ۷. مضمرات موسیقی

### ۱. گرایش به فساد

غنا و آواز مطرب انسان را به فساد می‌کشاند و از پرهیزگاری باز می‌دارد. مجالس غنا و موسیقی معمولاً جزو مراکز فساد محسوب می‌شود و این دلیلی است که موسیقی در گرایش به فساد نقش مؤثر دارد. در حدیثی پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: الغناء رقيه الزنا؛ غنا نردبان زنا است. (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۹: ۲۴۷)

### ۲. غفلت از یاد خدا

از بزرگ‌ترین آثاری که برای موسیقی ذکر شده است دور شدن از یاد خدا است. قرآن در سوره لقمان یکی از عوامل گمراهی و ضلالت را لهو الحدیث ذکر نموده است: «مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ». (لقمان: ۶)

لهو یعنی غفلت یعنی دور شدن از ذکر خدا، دور شدن از معنویت، دور شدن از واقعیت‌های زندگی، دور شدن از کار و تلاش و فرورفتن در ابتذال و بی‌بندوباری. (قدوسی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۲)

در بعضی از روایات اسلامی از لهو الحدیث به غنا تفسیر شده است. (حر عاملی، ۱۳۸۲: ۲۲۶)

در نتیجه غنا و موسیقی باعث فراموشی خدا می‌گردد و اعتقاد انسان را نسبت به جهان پس از مرگ سست خواهد کرد.

### ۳. سوء عاقبت

برای بیان این اثر به داستان کوتاهی از زندگی امام صادق (ع) می‌پردازیم. مردی به امام صادق (ع) عرض کرد همسایگان من کنیزانی دارند که آواز می‌خوانند و با آلات موسیقی





می‌نوازند، چه بسا هنگام قضای حاجت نشستیم را طول می‌دهم تا صدای آنها را بیشتر بشنوم. امام علیه السلام فرمودند: «این کار را نکن. در روز قیامت در برابر خداوند هیچ عذری نداری؛ مگر سخن حق را نخواندی که می‌فرماید: گوش، چشم و دل مسئول‌اند و در برابر کارهایی که کرده‌اند، مورد سؤال واقع می‌شوند». مرد عرض کرد: به خدا سوگند گویا این آیه را تاکنون نخوانده و نشنیده بودم. به خدا دیگر این کارها را انجام نمی‌دهم و از او آموزش می‌طلبم. امام علیه السلام سپس فرمودند: «برخیز و غسل کن و آن چه می‌توانی نماز بخوان، چون تا کنون به گناه بزرگی مشغول بودی و چه بد حال و تیره‌بخت بودی اگر بدون توبه و بر این حال از دنیا می‌رفتی». (طباطبایی، ۱۳۶۳)

#### ۴. قساوت قلب

یکی دیگر از اثرات شوم موسیقی، تأثیر منفی آن بر روان انسان‌ها است که موجب پدید آوردن بیماری قساوت قلب در انسان می‌شود. مؤید این کلام، سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام می‌باشد که به ایشان فرموده‌اند: «یا علی! سه کار دل را سخت کند؛ گوش دادن به آواز و موسیقی و شکار و به دربار سلاطین رفتن».

قلب افرادی که مداومت بر گوش دادن به موسیقی دارند مریض می‌شود و نتیجه این سختی و قساوت قلب این است که دیگر موعظه و پند در این قلوب اثر نمی‌کند، زیرا طبق آیات قرآن از آثار گناهکاری، قساوت قلب است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: قلوب افراد گناهکار مانند سنگ است یا سخت‌تر از سنگ، زیرا برخی از سنگها از میانشان آب بیرون می‌آید یا از ترس خدا از بلندی‌ها فرو می‌افتد. (بقره: ۷۴) ولی قلوب افراد گناهکار به قدری سخت است که دیگر چیزی از پندها و موعظه‌های الهی در آن اثر نمی‌نماید.

نشانه و علامت این بیماری آن است که این گونه افراد وقتی در مجلسی قرار می‌گیرند که در آن سخن از خدا و قرآن و یاد مرگ و آخرت است، حالشان بد می‌شود و دوست دارند زود از این گونه مجالس خارج شوند و بر عکس اگر در جایی باشند که سخن از



دنیا و سرگرمی‌های گمراه‌کننده باشد، به اشتیاق بر آن توجه می‌کنند و دوست ندارند که تمام شود و باز تأیید کننده سخنان فوق، آیه ۶ و ۷ سوره لقمان است که در آیه ۶ در مورد اهل «لهو الحدیث» توضیح و بلافاصله در آیه ۷ که مورد بحث ما است می‌فرماید: «و چون آیات و گفتار ما بر اهل لهو و موسیقی خوانده شود دوری گزینند و روی برگردانند و تکذیب آن گفتار نمایند مانند کسی که آن را نشنیده و گویا در گوش‌های ایشان سنگینی است از شنیدن آیات ما پس به ایشان عذابی دردناک را مژده بده».

امام صادق علیه السلام در این رابطه در حدیثی می‌فرمایند: «مَنْ ضَرَبَ فِی بَيْتِهِ بَرَبْطٌ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِ شَيْطَانًا يُقَالُ لَهُ الْقَفَنْدَرُ فَلَا يَبْقَى عَضْوٌ مِنْ أَعْضَائِهِ إِلَّا قَعَدَ عَلَيْهِ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ نَزَعَ مِنْهُ الْحَيَاءُ وَلَمْ يُبَالِ مَا قَالَ وَ لَا مَا قِيلَ فِيهِ؛ کسی که در خانه اش چهل روز بربط (نوعی تار) نواخته شود، خداوند متعال شیطانی را به نام قفندر بر او مسلط می‌کند که عضوی از اعضای وی باقی نمی‌ماند مگر اینکه او را در برمی‌گیرد و هنگامی که این گونه شد حیا از او گرفته می‌شود به گونه‌ای که نسبت به آنچه به او گفته می‌شود بی تفاوت می‌گردد». (حرعاملی، ۱۳۸۲ ج ۱۲: ۲۳۲)

درباره اهمیت حیا نیز خوب است بدانید رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «حیا و ایمان با همدیگر وابسته‌اند چون یکی از میان برود، دیگری هم از میان می‌رود». (مجلسی، بی تا: ۳۳۱) و باز در اهمیت حیا در حدیثی آمده است که «کسی که حیا ندارد ایمان ندارد». (همان، ج ۷۱: ۳۳۵)

## ۵. نزول بلاهای ناگهانی و عدم استجابت دعا

هم اکنون بسیاری به دنبال پاسخ این پرسش می‌گردند که چرا زندگی‌هایمان با وجود رفاه ظاهری با بلاها و مصیبت‌ها آمیخته شده و یا اینکه چرا هرچه دعا می‌کنیم مستجاب نمی‌شود؟! یکی از عوامل این گونه مسائل را شاید بتوان در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده پیدا کرد که فرموده‌اند: «بَيْتُ الْغِنَاءِ لَا تُؤْمِنُ فِيهِ الْفَجِيعَةُ وَ لَا تُجَابُ فِيهِ الدَّعْوَةُ وَ لَا



يَدْخُلُهُ الْمَلَكُ؛ خانه‌ای که در آن غنا خوانده می‌شود از مصیبت و بلای ناگهانی ایمن نیست و دعا در آن مستجاب نمی‌شود و فرشته داخل آن نمی‌گردد». (کلینی، ۱۳۸۴، ج ۶: ۱۶۵)

## ۶. افسردگی

خمودی و افسردگی یکی از حالاتی است که بر کسی که در موسیقی غوطه‌ور شود عارض می‌شود. این مسئله برای کسانی که با مطالعه و درس و بحث سروکار دارند، بیشتر روشن است. به گونه‌ای که بعد از موسیقی رغبت آنها نسبت به مطالعه کمتر شده و نیروی فکر آنها ضعیف می‌شود. روانشناس معروف، دکتر «الکسیس کارل» در کتاب «راه و رسم زندگی» می‌نویسد: «برخی دانش آموزان می‌خواهند با توجه به رادیو درس خود را یاد بگیرند و در راه تحصیل پیشرفت کنند، باید گفت رادیو نیز مانند سینما و موسیقی به کسانی که مشغول درس هستند کاهلی می‌بخشد و آنان را سرگرم می‌کند». (خوروش، ۱۳۸۷: ۶۲)

## ۷. ضعف اعصاب

از بین رفتن تعادل بدن که منوط به مختل شدن تعادل و توازن بین دوسیستم اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک است منجر به پدید آمدن ضعف اعصاب می‌شود. دکتر آرنولد فریدمانی پزشک بیمارستان نیویورک و رئیس کلینیک سردرد، با کمک دستگاه‌های الکترونی تعیین امواج مغز و تجربیاتی که به دست آورده، ثابت کرده است که یکی از عوامل مهم خستگی‌های روحی و فکری و سردردهای عصبی، گوش دادن به موسیقی رادیو است، مخصوصاً برای کسانی که به موسیقی آن دقت و توجه می‌کنند. (ظاهری، ۱۳۸۶: ۸۲ و ۸۳) شورای ملی تحقیقات کانادا هم در نتایجی از تحقیقات خود اعلام کرده که قابل توجه است. در این نتایج آمده است صدای موسیقی، هر قدر هم که ضعیف باشد، آشفتگی فوق العاده شدیدی در کار مغز ایجاد می‌کند، صدای ملایم موسیقی حتی در موقع خواب دشمن سلامت است. خطرناک‌ترین و بدترین عذاب برای



کسی که به خواب رفته است، صدای آهسته موسیقی در حال پخش است. (خوروش، ۱۳۸۷: ۷۳)

### ۸. کوتاهی عمر

گفته می‌شود عمر متوسط انسان، حدود ۱۲۰ سال می‌باشد، ولی علل و عوامل مختلفی در کاهش یا افزایش این مقدار مؤثر است. عواملی چون تغذیه، تفریح، خنده، گناه و... . امام صادق (ع) می‌فرماید: «بَيْتُ الْغِنَا لَا تَوْمَنُ فِيهِ الْفَجِيعَةُ وَلَا تُجَابُ فِيهِ الدَّعْوَةُ وَلَا يَدْخُلُهُ الْمَلَكُ؛ خانه‌ای که در آن غنا باشد، از مرگ و مصیبت دردناک ایمن نیست و دعا در آن به اجابت نمی‌رسد و فرشتگان وارد آن نمی‌شوند». (کلینی، ۱۳۸۴: ۱۶۵۵)

طبق یافته‌های دانشمندان نیز از جمله عوامل کاهش طول عمر انسان، سر و صداها و صدای موسیقی می‌باشد به طوری که اکثر موسیقیدان‌ها به نصف عمر طبیعی هم نرسیده‌اند و بعضاً با عوارض و مرگ ناگهانی از دنیا رفته‌اند، حتی در قرون قبل هم که مردم از این آلودگی‌ها به دور بوده و دارای عمرهای طولانی بوده‌اند، کارگزاران موسیقی از عمر طبیعی محروم بوده‌اند.

### نتیجه

از آنچه ذکر شد به این نتیجه رسیدیم که لهو و لعب حرکتی پوچ و بی‌معناست که هیچ ثمره‌ای برای دین، دنیا و آخرت انسان ندارد و مانع انجام وظایف مهم و واجب می‌گردد. چنین لهوی حرام بوده و خداوند متعال در قرآن، انبیاء و مؤمنان را از لهو و لعب منزه می‌داند.

در جهان معاصر می‌توان نمونه‌ها و مصادیق متعددی برای لهو و لعب حرام ذکر کرد، از جمله غنا و موسیقی (دو عمل نزدیک به هم) که بر حرمت آن آیات و روایات فراوانی دلالت می‌کند و همه علمای شیعه، جز اندکی به حرمت آن حکم داده‌اند. در نتیجه ساخت‌وساز، خرید و فروش و نگهداری آلات مختص موسیقی و استعمال آنها در



موسیقی و شنیدن آواز آن حرام می‌باشد و این حکم در قرائت قرآن، ادعیه، اذکار و مرثیه اگر به صورت غنا باشد، نیز جاری می‌گردد.

از طرف دیگر، آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود، این است که شطرنج نیز یکی از مصادیق قمار بوده و خرید و فروش آن حرام می‌باشد، مگر عرفاً بر آن قمار صدق نکند؛ و درآمدی که از راه خرید و فروش آن به دست می‌آید سحت و حرام است و در روایات، بازی با شطرنج شرک و عمل مجوس معرفی شده است.

### منابع و مأخذ:

#### قرآن کریم

۱. ابن اثیر، مجد الدین (بی تا)، *النهایه*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۵ق)، *خصال*، قم: مکتبه العلامه.
۳. اصفهانی، راغب (۱۳۸۹)، *فرهنگ قرآنی راغب*، ترجمه جهانگیر ولدبیگی، [بی جا]، آراس.
۴. اصفهانی، راغب (۱۴۲۷ق)، *مفردات الفاظ قرآن کریم*، [بی جا]، طلیعه نور.
۵. انصاری، مرتضی (۱۴۲۲ق)، *کتاب المکاسب*، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۶. بهجت، محمد تقی (۱۳۷۹)، *توضیح المسائل*، قم: شفق.
۷. تبریزی، میرزا جواد (۱۳۷۸)، *استفتائات*، قم: سرور.
۸. تبریزی، میرزا جواد (۱۴۱۷ق)، *صراط النجاة*، قم: دارالاعتصام.
۹. التویسرکانی، محمد نبی (۱۴۱۵ق)، *لئالی الاخبار*، قم: مکتبه العلامه.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۲)، *وسائل الشیعه*، تهران: مکتبه الاسلامیه.
۱۱. حسینی، علی (۱۴۱۳ق)، *الموسیقی*، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۱۲. حسینی، مجتبی (۱۳۸۵)، *احکام موسیقی*، قم: دفتر نشر معارف.
۱۳. حسینی، محمد تقی (۱۳۸۲)، *غنا در آینه شفاف اهل بیت*، قم: انتشارات استاد مطهری.



۱۴. حسینی، محمد (۱۳۸۲)، *فرهنگ لغت و اصطلاحات فقهی عربی به فارسی*، تهران: انتشارات صدا و سیما.
۱۵. خامنه‌ای، سید علی، *اجوبه الاستفتائات*، تهران: الهدی.
۱۶. خراسانی، محمد هاشم (۱۳۵۲)، *منتخب التواریخ*، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۱۷. خمینی، روح‌الله (بی‌تا)، *صحیفه نور*، تهران: دفتر حفظ آثار امام خمینی (ره).
۱۸. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۱)، *مکاسب محرمة*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر تراث الخمینی (ره).
۱۹. عبداللهی خوروش، حسین (۱۳۸۷)، *تاثیر موسیقی بر اعصاب و روان*، اصفهان: پاداران.
۲۰. خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۷ق)، *مصباح الفقاهه*، قم: انصاریان.
۲۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغتنامه*، تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. دیلمی، سلار (۱۴۱۰ق)، *المراسم*، بیروت: موسسه فقه الشیعه.
۲۳. رمزی، سعید (۱۳۸۵)، *راز شطرنج*، مشهد: یوسف فاطمه.
۲۴. ریچارد، ریرت (۱۳۷۵)، *شطرنج را از پایه بیاموزید*، ترجمه قربان سیق‌پور و محمد رفیع پور، تهران: نشر ترمه.
۲۵. سبزواری، محمد (بی‌تا)، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت: دارالتعارف.
۲۶. شریف لاهیجی، بهاء‌الدین (۱۳۹۰)، *تفسیر شریف لاهیجی*، مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۲۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۷۸)، *جامع الاحکام*، قم: حضرت معصومه.
۲۸. صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۳)، *عیون اخبار الرضا*، تهران: نشر جهان.
۲۹. طباطبائی، حسین (۱۳۸۳)، *جامع احادیث شیعه*، قم.
۳۰. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۶۳)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه محمد باقر همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، *الامالی*، قم: دارالثقافه.
۳۳. \_\_\_\_\_ (بی‌تا)، *التبیان*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۴. ظاهری، مهدی (۱۳۸۶)، *سلامتی و طول عمر در احکام اسلام*، قم: گل‌های بهشت.



۳۵. عاملی، زین‌الدین علی بن احمد (۱۴۱۰ق)، *روضه البهیة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۶. نقدی‌وند، عزیز (۱۳۸۱)، *شطرنج از دیدگاه تاریخ و ادبیات*، تهران: انتشارات کلیدر.
۳۷. فارابی، محمد بن طرخان (بی‌تا)، *الموسیقی الكبير*، مصر: دارالکتاب العربی.
۳۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *قاموس المحيط*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۹. فیض‌مشکینی، علی‌اکبر (۱۳۸۲)، *نصایح*، ترجمه آیت‌الله احمد جنتی، تهران: مکتبه الاسلامیه.
۴۰. قدوسی‌زاده، حسن (۱۳۸۵)، *نکته‌های ناب*، [بی‌جا]، دفتر نشر معارف.
۴۱. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، *تفسیر قمی*، نجف: مکتبه الهدی.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۴)، *اصول کافی*، قم: مؤسسه انصاریان.
۴۳. لنکرانی، محمد فاضل (۱۳۷۹)، *جامع المسائل*، قم: مهر.
۴۴. متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۹ق)، *کنز العمال*، بیروت: مؤسسه الرساله.
۴۵. مجلسی، محمد باقر (بی‌تا)، *بحارالانوار*، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۴۶. مجلسی، محمد تقی (بی‌تا)، *روضه المتقین*، [بی‌جا]، بنیاد اسلامی فرهنگی کوشانپور.
۴۷. محمد بن نعمان، شیخ مفید (۱۲۷۴ق)، *المقنعه*، [بی‌جا] دارالطباعه.
۴۸. معلوف، لویس (۱۳۷۴)، *فرهنگ المنجد*، ترجمه محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات ایران.
۴۹. معین، محمد (۱۳۸۶)، *فرهنگ معین*، تهران: نشر ثامن.
۵۰. مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵)، *دعائم الاسلام*، قم: مؤسسه آل‌البتیة ع.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۵۲. میبیدی، ابوالفضل (۱۳۶۱)، *کشف الاسرار*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۵۳. نوابی، عبدالحسین (۱۳۷۸)، *سیر شطرنج ایران در جهان*، تهران: انتشارات شب‌ویز.
۵۴. نوری، حسین (۱۳۷۸)، *توضیح المسائل*، قم: مؤسسه مهدی موعود.
۵۵. نوری، محمد اسماعیل (۱۳۸۵)، *موسیقی و غنا از دیدگاه اسلام*، قم: مؤسسه بوستان کتاب.